

دار دی که زندان دی که شترکا د زولنو
موز به دو لمن د سر لوری سنډری بولو



نشريات ویژه ی (پیام وطن) بمناسبت هفده همین سال شهادت دكتور نجیب الله

تاریخ نشر: 27.09.2013

رزاق رحی

ظهوری که زوال نمشناسد

برخی ویژگی ها در تفکر نجیب الله

دوستان عزیز:

جای شک نیست که شهدای سر زمین ما بخشی از تاریخ خونبار اینسرزمین است و در شرایطیکه جغرافیای خفتگان با نام وبی نام و گور های گنجه کاران و بی گناهان زیر فشار تمایلات قومی، لسانی، منطقوی و تنش های ناهنجار سیاسی، عقیدتی و ایدلژییک بدون هیچ واحد و مقیاس سنجش، بیرحمانه خطکشی میشوند، و در نتیجه محیط های جدیدی تقابل «جزایر شهدا» به فهرست عمومی جزایر سیاسی، قومی و لسانی افزوده میشود و هر گروهی، قومی و هر قماش سیاسیشهدای خود را می ستایند و انرا تجلیل میکنند، درن وضعیت سخن گفتن در مورد انسان به بزرگی نجیب الله با توجه به این واقعیت که در اقلیم معرفت او پایهر مسافری میلرزد و قلم فرسایی ها، اسطوره پردازی های متداول و قهرمان سازیهای سیاسی را در ان جای پای نیست، شاید دست کم برای من دشوار است.

فهم نا رسای من هنگام ورود به اکادمی جستجوی شخصیت نجیب الله ممکن از حد یکاحساس واطفه فراتر نرود اما ایقان کامل دارم که شناخت ابعادسیاسی، تاریخی، فرهنگی اخلاقی و عرفانی شخصیت نجیب الله مستلزم کاوشگری های گسترده اکادمیک است که پرداختن به ان، کار اهل انست.

نجیبالله در یک برهه سهمگین و اشوبناک تاریخ برای انجام یک ماموریت عظیمتاریخی، در پی یک سیر آگاهانه به افق ارزش های تاریخ، فلسفه و ظرفیت هایحاکم بر جریان هستی اجتماعی، در بستر بحران زده ی مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان بعنوان یک سیاست مدار هوشمند و خلاق وارد عرصه پذیرش مسئولیت های بزرگ و خطیر ملی گردید و در اوج یک امیدواری بزرگ مبنی بر احیایصلح، انکشاف و باز سازی جانش را باخت اما برنده ی جاودان شد.

گویی نجیب الله پا بپای اندوه نا تمام مردم و دست بدست تاریخ بر سنگفرش های خونین هستی گام بر میدارد.

فکر سیاسی نجیب الله سایه ی متحرک تاریخ است.

فکر سیاسی نجیب الله میداندار تمام عرصه های تاریخ و سیاست است.

- شهادت نجیب الله استحالۀ یک سفر آگاهانه در متن ارزش های بزرگ انسانیت است که روح امیخته با ریالیزم را در قالب یک اسطوره ماندگار به نمایش گذاشت.

- الگوی حیرت انگیزی که از بطن این اسطوره زاده شد، حقیقت جاودانه شدن انسان را تجسم بخشید.

- شهادت نجیب الله نتیجه ی متناسبی است که در انسوی معادلۀ معمول مرک و زندگی موقعیت دارد.

- شهادت نجیب الله گره گاه انبساط اندیشه و عمل است که در عرفانی ترین شکل ان تجلی نمود.

و ازین دیدگاه است که شهادت نجیب الله از شمار ان مرگهای قراردادی نیست که در پی اهداف محدود سیاسی اتفاق افتاده باشد.

نجیب الله انسانی بود در انسوی صف بندی های سیاسی و ایدلوزیک که هوشمندانه ترین شیوه حرکت بسمت رفع ابهام تعلقات ایدلوزیک و سنت های فرسوده ناشی ارمحور گرایی های روشنفکرانه را نشانی کرد و چشم انداز بینش های وسیع را در برابر نهضت روشنگری و روشنفکری افغانستان گشود.

بینش های از قبل چوکات بندی شده از مفاهیم سیاست و قدرت برای نجیب الله به دلایل سیاسی و تاریخی فعلیت خود را از دست اده بودند.

تاسیس میدان های مشارکت فعال مردم و مبارزه با مظاهر محدود گرایی و محدود سازی های سیاسی از مختصات بر نامه ای فکری نجیب الله بودند.

وبدینگونه هست که ایشان در پی یک گذار تاریخی از تحمیل مفهوم تنگ نظریاتی «حاکمیت یک گروه سیاسی» بسوی مفهوم «توسعه همه گانی حاکمیت مردم» بودند و گشودن راه مشارکت های عمومی را بسوی تامین یک انقلاب همگانی و صلح امیز توصیه و پیشنهاد میکردند.

روح هوشیار و شم نیرومند نهفته در فطرت نجیب الله او را به درک عمیق از ماهیت انزوای مسلط سیاسی موجود نزدیک میساخت.

غالبهبررادیکالیزم حاکم بر فضای اندیشه و عمل حزب را در ایستادگی و مبارزه قاطع علیه صوفیزم منحنی سیاسی حزب میدانست که ریشه در وابستگی های شدید فکری محور های بنیاد گرانه چپ داشت.

و دقیقاً بنا بر همین دلیل، باز نگری در متن بنیاد های اندیشه و عمل حزب بر اینجیب الله بشدت مطرح بود که کمترین پیامد های ان اینچنین میتوانند ردیف شوند:

- پاسخگویی برای معادله های دشوار تاریخ و کنار آمدن با فطرت تاریخ.
- نتیجه گیری و دست یابی به تناسب و توازن در اندیشه و عمل بر بنیاد یک موقف متعادل فکری.
- نهادینه سازی انتظام در اندیشه و عمل در تجلی گاه باور های عقلانی.
- تبارز اشکار انصراف، اعتدال و تقارب در یک کلیت بهم گره خورده کدکس بینش های فراگیر و مدرن سیاسی.
- تبارز عملی و واقعگرایی و برونگرایی در پهنه واقعیتهای تحول یابنده سیاسی، اجتماعی و تاریخی.
- عبور توقف نا پذیر از تهلهکه انقیاد تنگ نظریاتی بسمت توسعه تدریجی و همگانی فکر و اندیشه سیاسی.
- انصراف از تفسیر های «تسلط گرایانه اندیشه سیاسی» بسود زمینه یابی «تحول طبیعی و متوازن فکری» در بستر قرار داد های دموکراتیک اجتماعی.
- کشف تناسب های معقول در میان افراط و تفریط در میدان فکر و عمل.
- وقوف کامل به نقش جاذبه انگیزه های تاریخی، سنتی و معنویت بر خاسته از ان در متن روبرط مسلط بر جریان هستی اجتماعی.
- ترویج فرهنگ پذیرش تنوع و کثرت اندیشی های متعادل.
- رفع انگیزه های از خود بیگانگی در سیاست و گسست فلسفی از باور های وارداتی در ساحه تربیت سیاسی.
- تفسیر هوشیارانه از حقایق تاریخی و تواضع در رویارویی با ازدحام پدیده های محیط پرامون مبارزه سیاسی و

و درست بر بنیاد نتایج این بازنگری و تبعات ناشی از آنست که نجیب الله را بهاین باور قریب میسازد که حل معادله چندین مجهوله بحران سیاسی و اجتماعی، بحران مفقودی هویت ملی، بحران انقطاب ملی و تباعد درد ناک ناشی از اننمیتواند در گستره تفسیر های ناقص از مقولات قدرت و سیاست، ره به توسعهپایه های اجتماعی حاکمیت زیج نشسته بر تخته تاریخ ببرد و توسعه فرهنگ کنار آمدن های سیاسی و جوشش های پایدار ملی را ضمانت کند، ولذا با در نظر داشتو زیرتاثیر این دید گاه ها است که نجیب الله در جستجوی یک تعریف جدید برایبیان موقف سیاسی حرکت های روشنفکری افغانستان می براید و سعی میکند تا قیامت خمیده ی نهضت روشنفکری افغانستان را از زیر فشار گرایش های یک جانبفکری بیرون بکشد تا اقلیم مناسبی برای رسوخ فاتحانه اندیشه سیاسی مصالحهدر افق تاریک تاریخ انزمان پدیدار گردد و در گستره فکر سیاسی جایگاهی برایبعثت این اندیشه رهگشا تدارک دیده شود، این تحول بزرگ فکری در دهلیز هایتاریک انزوای سیاسی ح. د. خ. ا که در چنگال عفريت «اید لوژی زده گی» با ناتوانی فرصت اخرین رمق را میکشیدباید رخ میدادو نیروی محرکه این تحول «استقلال اندیشان» انرا استقبال کردند ودر نتیجه این تحول که اماج ان نه تعویض قدرت بلکه:

- تفسیر قدرت در یک میکانزم نظریاتی جدید.

- باز افرینی تاریخی ارزش های تفکر افغانی.

- ترویج فرهنگ استقلال اندیشی در سیاست.

- باز شناسی زمینه های تاریخی و سیاسی که به اسارت های سیاسی میدان داده اند.

- و باز نگری به شیوه های بر خورد با تاریخ و بر خوردبا سیاست رادر بر، داشت با یک حرکت متمدن وطبعی به ثمر رسید و مصالحه ملی به عنوان یک نظریهسیاسی و یا کدکسی از ویژگی های سیاسی، علمی، فلسفی و تاریخی بههدف بالاخریدن از قعر بحران های سهمگین اجتماعی و اضطراب ناشی ازان به سطح صاف وشفاف جوشش های پایدار ملی وبعنوان یک الترناتیف نجات بخش جا گزین انقیاد بی چون و چرای روشهای ناکام سیاسی گردید.

مصالحه ملی در واقع نظام اندیشه یی است که کلیت پاشیدگی های ملی و پیامد هایانرا در یک دایره متناسب، بسمت بستر های با اعتبار همگرایی هدایت میکند ودر هر پهلو زدن وسعت فاصله های اجباری را درهم میشکند تا منظومه های نابرابر روابط اجتماعی بیلانس شوند.

تاسیسمیدان های تمدنی و حوزه های حقوقی که جز روند انکشاف و باز سازی اند اینامکان را میسر میسازد تا انسان «در مفهوم عام» نه در تفسیر های «طبقه بندی» شده ان در زنجیر قرار داد های اجتماعی، نقش حلقه های متحرک و پیوند دهندرها ایفا کنند و در عین حال تامین حد اکثر نیازمندی های روحی و جسمی او از حاشیه به متن راه پیدا کند.

و ازین منظر است که انسان بعنوان امیزه ی از تاریخ و فرهنگ و تامین نیاز های اجتماعی و حقوق مدنی او در مرکز توجه این اندیشه قرار میگیرد و روش های سیاسی مبتنی بر این اندیشه اصولا انسانی و مردمی اند، فقط بر بنیاد این واقعیت است که جاذبه سیاسی آموزه های تفکر نجیب الله میداندار تمام عرصه های تاریخ و سیاست میشود و قطعاً، نجیب الله بعنوان طراح و مدافع این روش سیاسی، از همین گره به ریسمان طولانی تاریخ پیوسته است.

انچهدرین بحبوحه درد ناک سیاسی و اجتماعی و ازدحام اغفال کننده ناشی از ان، نجیب الله را بار دگر بمیدان میکشد، دقیقاً محصول نگاه هوشمندانه او بهسیر ان تحولاتی در تاریخ و در سیاست است که شهنامه تجارب زندگی یک نسلافتاده در باتلاق پاشیدگی های اجتماعی را رقم زده است.

ظهور نجیب الله در یک برهه سهمگین تاریخ و نتیجه گیری های متناسب او از عمق فرورفتگی های بحران انقطاب ملی و ناگزیری بر گشت افکار سیاسی اوشریط و فضایرا در گستره فکر سیاسی افغانی ایجاد کرد که منظره اشوبناک روابط اجتماعیو کلیت پیشامد های سیاسی متداول امروز فقط از یک دریچه قابل تفسیر میشوند.

دریچه همگرایی و کنار آمدن ها در حضور اندیشه سیاسی مصالحه.

تسلط فکر سیاسی مصالحه بر تمام عرصه های تاریخ و سیاست، نجیب الله را بار دگر در وجود دیدگاه های روشن او به ظهور میرساند.

و این ظهوریست که زوال نمی شناسد.